**ترجمه رباعیات اوحدالدین کرمانی**

**نویسنده : بناءپور، هاشم**

Evhadüddîn-i Kirmânî, Rubaîler, çeviren: Mehmet Kanar, Istanbul, insan yayinlari, 1999, 542 p. ISBN 975-574-238-7.

اوحدالدین کرمانی، رباعیات، ترجمه محمّد کانار، استانبول، انسان یایینلاری، 1999، 542 ص.

حامد بن ابی‏الفخرالکرمانی مشهور به اوحدالدین کرمانی از عرفای اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم است. این عارف که «جمال مطلق را در فناء فی‏اللّه‏ سبحانه مشاهده توانست کرد» از مریدان شیخ سُجاسی است. وی به فیض دیدار ابن عربی، شمس تبریزی، جلال‏الدین رومی، شیخ شهاب‏الدین سهروردی و سعدالدین حموی رسیده بود. حتی ابن عربی در باب هشتم فتوحات مکیه حکایتی را روایت کرده که خود او شفاها از اوحدالدین شنیده بوده است. می‏گویند اوحدالدین کرمانی را المتسنصرباللّه‏ ابوجعفر منصوربن محمّد خلیفه عباسی به جانشینی سهروردی منصوب کرد و او را شیخ‏الشیوخ نامید.

کتاب رباعیات مشتمل بر 2202 رباعی از اوحدالدین است که پرفسور محمّد کانار آنها را تصحیح و ترجمه کرده است. وی از جمله ایران‏شناسان معاصر ترک و نیز مدرس زبان عربی و فارسی در دانشگاه استانبول است. این کتاب دومین اثر اوست و نخستین تألیف وی پیدایش و تطوّر ادبیات معاصر ایران نام دارد.

پس از مقدمه مترجم و فهرست منابع و مآخذ و اختصارات، محمّد کانار به‏طور اختصار به «حیات و آثار اوحدالدین کرمانی» پرداخته است. در این «حسب حال»نویسی، اگرچه وی به پژوهشهای بدیع‏الزمان فروزانفر و ویلسن و ویشر نظر دارد، با استناد به رباعیات اوحدالدین، درباره تاریخ تولد و نیز زبانهایی که وی به آنها تسلط داشته است آرای خاص خود را طرح می‏کند. وی معتقد است که این عارف به زبانهای عبری و عربی و ترکی مسلط بوده است.

مترجم درباره دیدارهای سرنوشت‏ساز و مهم و شخصیت ادبی اوحدالدین به اختصار مطالبی آورده است. در این مبحث «وحدت وجود»، «شاهد بازی»، «عشق الهی»، «ادیان»، «سماع موسیقی»، «عبودیت»، «دنیا و حیات آخرت»، «علم» از دیدگاه اوحدالدین بررسی شده است.

مسئله نسخه‏های خطی و دیگر آثار اوحدالدین موضوع دیگر این تحقیق و بررسی است که در آن به نسخ خطی، زبان و رسم‏الخط اوحدالدین پرداخته شده است. در این باب، افزون بر مباحث فوق، مترجم برخی از ضرب‏المثلهایی را که در اشعار آمده و نیز برابرنهاده‏هایی را که برای مضامین و واژه‏ها برگزیده آورده است. به چند نمونه از آنها اشاره می‏کنیم:

أنا الحق (Ben Tanriyim)؛ اباحت (Mübah görme)؛ پروانه (âsھik)؛ جبر (Zorlama; zor kullanma)؛ شمع (Mum; sevgili)؛ عالم سفلی (Dünya)؛ عالم علوی (Ahiret)؛ کثرت (Çokluk). سپس به اصطلاحات موسیقی و صنایع ادبی به کار رفته در رباعیات پرداخته است.

محمّد کانار در تصحیح و ترجمه رباعیات نسخه کتابخانه دانشگاه استانبول را اساس قرار داده است و به چند نسخه دیگر از جمله نسخه کتابخانه سلیمان ایاصوفیا و نسخه حالت افندی نیز نظر داشته است.

ترجمه رباعیات از باب هفتم کتاب آغاز می‏شود که مشتمل است بر ترجمه 2202 رباعی. مترجم کوشیده است که به مضامین و متن وفادار بماند. آشنایی وی با زبان مبدأ و مقصد از یک سو، و نزدیک بودن مضامین فرهنگی دو زبان و تسلط مترجم بر آنها از سوی دیگر، سبب شده است که محمّد کانار بتواند از امکانات زبان ترکی به‏خوبی سود جسته و ترجمه‏ای درخور ارائه دهد و در برگردان آهنگین و مقفای اشعار موفق باشد که به نمونه‏ای از آن اشاره می‏کنیم:

|  |  |
| --- | --- |
| می‏کش ستمی و هرچ بادا بادا | کم گیر دمی و هرچ بادا بادا |
| از سود و زیان آنچ که نامش عمر است | ماییم و دمی و هرچ بادا بادا |

Sitem cekedur; ne olursa olsun. Zamani az tut; ne olursa olsun. Ömür denilen seyin zararini ziyanini birak bir yana; ne olursa olsun. Iste biz variz, bir de bir anli ömür; ne olursa olsun.

آخرین باب کتاب اختصاص دارد به فرق میان نسخه‏ها و تکمله و ضمیمه.

هاشم بناءپور

**توضیحات دیگری درباره «رباعیات اوحدالدین کرمانی»**

دکتر کانار، رباعیات اوحدالدین کرمانی را براساس پنج نسخه خطی و دو نسخه چاپی (نزهة‏المجالس و مناقب اوحدالدین) فراهم آورده و مهمترین نُسَخ خطی مورد استفاده او عبارت است از: نسخه خطی شماره 2910 کتابخانه ایاصوفیا که در سال 706 ق. کتابت شده و 1724 رباعی دارد (حدود 30 رباعی آن تکراری است). این نسخه اساس چاپ دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی به تصحیح احمد ابومحبوب (تهران، سروش 1366) قرار گرفته است. و دیگر، نسخه خطی شماره 701 کتابخانه دانشگاه استانبول است که به احتمال زیاد در قرن هفتم هجری فراهم شده است.

این نسخه ارزشمند که برای نخستین‏بار است شناسانده می‏شود، به خط نسخ کهن کتابت شده و 65 برگ دارد. نسخه مقدمه ندارد، اما در خاتمه آن، گردآورنده رباعیات ـ که نامش معلوم نیست ـ شرح تدوین و تبویب رباعیات اوحدالدین و اشتیاق و التماس مریدان شیخ را چنین ذکر کرده است:

[محبّان شیخ گفتند:] شیخ شمس‏الحق و الدین ـ قدّس‏اللّه‏ سرّه ـ از خلفا و کبار اصحاب شیخ بود و غالب کلمات شیخ را ـ رضی‏اللّه‏ عنه و ارضاه ـ از نظم و نثر شنیده بود و به ذوق آن رسیده و شما از حضرت پدر شنیده، پس بر شما لازم گشت رباعیات شیخ را جمع کردن و به ترتیب مقامات مبوّب گردانیدن. چه شما درین باب و درین زمان متعیّنید و بر شما اسهل است ... اما آنک (=آنچه) درین مجموعه مسطور است، به یقین بلا رَیْب از سخنان و کلمات مبارک شیخ است ـ رضی‏اللّه‏ عنه و ارضاه ـ پس چون این فقیر رغبت طالبان و محبان را صادق یافت، واجب آمد که مسئول و مطلوب ایشان را اجابت کند ... و نامش انیس‏الطالبین و جلیس‏الصالحیننهاده آمد (رباعیات اوحدالدین کرمانی/ 39).

به قراری که از این عبارات برمی‏آید، گردآورنده رباعیات، فرزند شیخ شمس‏الدین ابوحفض عمربن احمد تفلیسی‏ـ از خلفا و اصحاب نزدیک شیخ‏اوحدالدین ـ بوده است. وی در نیمه دوم قرن هفتم هجری 1163 فقره از رباعیات اوحدالدین را به خواهش مریدان شیخ در 76 باب تدوین کرده است. نسخه مذکور در 19 ذی‏القعده 734 ق. در تملک فردی به نام سلیمان بن حسین بن محمّد بوده است. در فهرست نسخه‏های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول (تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، 1374، ص 216) از این نسخه ـ یعنی انیس‏الطالبین و جلیس‏الصالحین ـ یاد شده اما گردآورندگان فهرست نه مؤلف کتاب را شناخته و شناسانده‏اند و نه محتویات آن را.

در کتاب رباعیات اوحدالدین کرمانی مجموعا 2202 رباعی فراهم شده که 400 رباعی از دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی (تصحیح ابومحبوب) بیشتر دارد. مؤلف با آنکه لوازم کار را برای تصحیح انتقادی رباعیات اوحد در اختیار داشته، اما به گردآوری صرف رباعیات بسنده کرده و ظاهرا قصد اصلی او ترجمه رباعیات بوده نه تصحیح آنها. بنابراین، از طریق این کتاب نمی‏توان دانست که هر رباعی در کدام نسخه بوده، هر نسخه چه اختلافاتی با نسخه‏های دیگر داشته و ضبط ارجح براساس کدام نسخه اختیار شده است. متأسفانه در تایپ اشعار فارسی دقت لازم به کار نرفته و بعضی کلمات نیز صحیح قرائت نشده که تنها به چند مورد آن اشاره می‏شود:

شش پنج کسی زندگی بازی داند (ش 695)

صحیح: شش پنج کسی زَنَد کی (=که) بازی داند.

[ احتمال بروز غلط چاپی در این موضع نیست. زیرا آقای کانار براساس قرائت خود، زندگی را به حیات ترجمه کرده است.]

تا جامه خواجگی نقد تو بود (ش 891)

صحیح: تا جامه خواجگی به قدّ تو بود.

سودات مفرحست، دیوانه فراز (ش 1166)

صحیح: سودات مفرحی است دیوانه نواز.

شادم که به هر غمی ز تو می‏میرم (ش 1430)

صحیح: شادم که زتو به هر غمی می‏میرم.

[قافیه شعر ایجاب می‏کند که این جابجایی صورت گیرد.]

از خود جُنبم، سربسر آفت گردم (ش 1481)

صحیح: در خود بینم، سربسر آفت گردم.

ناخورده ز گِردِ نان وصل تو هنوز (ش 1568)

صحیح: ناخورده ز گردِ ران وصل تو هنوز.

[کلمه «گردن» در مصراع بعدی و التزام آن با «گرد ران» مؤید این ضبط است.]

خود درد دل است دا؟ کار جهان

مستی بهتر به آشکار و پنهان هان ای ساقی به جرعه‏ای ز آن می صرف

هان از خود و ز دیگران ؟ (ش 1604) صحیح (قیاسی):

|  |  |
| --- | --- |
| چون درد دل است [حاصل] کار جهان | مستی بهتر به آشکار و به نهان |
| هان ای ساقی به جرعه‏ای ز آن می صرف | ما را از خود و وز دگران [باز رهان] |

در عشق تو آیتهاست تنهایی من (ش 1702)

صحیح: در عشق تو اَنْبُه (=انبوه) است تنهایی من.

[در چاپ ابومحبوب (ش 1048) این کلمه «انتهاست» خوانده شده و هیچ کدام از دو مؤلف متوجه لطف پارادوکس موجود در این مصراع (یعنی: انبوه تنهایی) نشده‏اند.]

سلطان وجود او حسُ اللّه‏ از تو (ش 1746)

صحیح: سلطان وجود! لوْ حش اللّه‏ از تو.

[در ترجمه آقای کانار از «سلطان حِسّ اللّه‏» سخن رفته است.]

سیّدعلی میرافضلی